



دکتر فریدون سیامک‌نژاد

مقدمه

صبح که از خانه بیرون می‌زنیم تا راهی محل کار شویم، با افراد زیادی برخورد می‌کنیم و روبه‌رو می‌شویم که هر کدام می‌تواند برای انسان خاطره‌انگیز باشد. از برخورد احتمالی با رفتگر زحمتکش محله گرفته تا دیدن کسانی که هر یک به‌دلیلی سر راهمان قرار می‌گیرند و ممکن است اگر قدیمی محل باشیم، سلام و علیکی هم با ما داشته باشند. از وقتی سوار وسیله نقلیه عمومی اعم از اتوبوس، مترو یا تاکسی می‌شویم تا زمانی که آن را ترک می‌گیریم، کسانی را می‌بینیم و حرف‌هایی می‌شنویم که هر کدام آن‌ها می‌تواند خاطره‌ای برایمان باشد، یا خاطره‌ای را از زمان‌های دور برایمان زنده کند. به محل کار هم که می‌رسیم و کار را شروع می‌گیریم، بستگی به نوع کاری که داریم، هم‌هانش می‌تواند تداومی‌کننده مسأله یا احیاناً خاطره‌ای باشد. حالا اگر کارمان طوری باشد که ارتباط مستقیم با مردم داشته باشیم، به اندازه تفاوت بین انسان‌ها و مردمی که برای کارشان به ما مراجعه می‌کنند، می‌توانیم حرف برای گفتن داشته باشیم و خاطره برای بازگو کردن.

با این صغری و کبری چیدن‌ها می‌رسیم به این که داروخانه از جمله مکان‌هایی است که کار کردن در آن، یک دنیا حرف برای گفتن و یک سینه خاطره برای بازگو کردن دارد. بنابراین، تصمیم گرفتم تا مسایل به‌وجود آمده در داروخانه را تحت عنوان «یادداشت‌های داروخانه» قلمی کنم. مطالبی که در پی می‌آید، حاصل این تلاش و نتیجه حضور در داروخانه در برخورد با بیماران و مسایل جاری داروخانه است. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

یادداشت ۱

خانم جوانی بود و برای بچه ۲/۵ ساله خود، یک شیشه شربت سرماخوردگی کودکان و یک شیشه شربت سیتیزین می‌خواست. برای ایشان توضیح دادم که شربت سرماخوردگی کودکان حاوی آنتی‌هیستامین و یک ترکیب ضداحتقان است. وقتی آن باشد، دیگر نیازی به آنتی‌هیستامین اضافی که شربت سیتیزین باشد، نیست. البته ایشان از توضیحی که دادم اطلاع نداشت و ظاهراً بنابر توصیه تلفنی پزشک محله‌شان اقدام می‌کرد. متأسفانه بعضی از همکاران پزشک، اطلاع دقیقی از ترکیب بعضی از داروها و میزان مصرف آن‌ها ندارند و عدم تأثیر دارو را به بی‌کیفیتی داروی داخلی نسبت می‌دهند که جفا به داروسازی مملکت است. البته، اخیراً شربت سرماخوردگی با استامینوفن هم به بازار آمده که اثر بهتری از قبلی‌ها دارد.

یادداشت ۲

نسخه‌اش را که جلویم گذاشت، بدون هیچ مکثی گفت: آقای دکتر، داروهایم خارجی باشد. نگاهی به نسخه انداختم و گفتم: سرکار خانم، فقط یکی از داروهایتان هم خارجی دارد و هم تولید داخل بقیه داروها تماماً ساخت داخل هستند و مشابه خارجی هم ندارند!

ایشان ادامه داد که: اتفاقاً دکترم هم گفته که همان دارو را که مربوط به زانو دردم است را، خارجی‌اش را بگیرم. بلافاصله هم ادامه داد که دکترم گفته اگر داروی موردنظر (ایشان نامش را گفت) را ایرانی‌اش را بخوری سرطان می‌گیری! با

تعجب پرسیدم: واقعاً دکتر شما چنین حرفی زده؟
گفت: بله!

در حالی که هم من و هم دیگر حاضران در داروخانه تعجب کرده بودند، داروهایش را دادم و رفت. این هم نوع دیگری از تبلیغ داروهای خارجی که حتماً مسؤولان وزارت بهداشت و سازمان نظام‌پزشکی باید فکری به حال آن کنند.

یادداشت ۳

برای بچه دو ساله، به دلیل سرماخوردگی توأم با تب، آنتی‌بیوتیک و شربت استامینوفن تجویز شده بود. نسخه‌اش را که تحویل تکنیسین داروخانه داد، اشاره کرد که شربت استامینوفن را لطفاً از آن غلیظ‌ها بدهید! مقصودش سوسپانسیون استامینوفن بود که هم طعم دارد و هم تلخی‌الگزیب را ندارد. بلافاصله هم سؤال کرد که تفاوت آن‌ها چیست؟ برای ایشان توضیح دادم که از نظر تأثیر دارو، فرقی با هم ندارند، ولی به دلیل طعم سوسپانسیون استامینوفن و نبود الکل در ترکیب آن، تحمل برای بچه بهتر است. البته، این را هم اضافه کردم که به دلیل فرآیند تولید سوسپانسیون استامینوفن و نحوه تهیه آن، قیمت سوسپانسیون از الگزیب بیشتر است!

یادداشت ۴

عده‌ای آن‌قدر مؤدب برخورد می‌کنند که انسان جرأت تند برخورد کردن و بعضی وقت‌ها عصبانی شدن در برابرشان را ندارد. حتی اگر حرف غیرمنطقی یا سؤال بی‌ربطی داشته باشند!

را دادم به نوشته روی آن اشاره کرد و گفت: این که پماد زینک‌اوکساید است؟! برای ایشان توضیح دادم که اوکسیددوزنگ به زبان فرانسوی است و زینک‌اوکساید به زبان انگلیسی است. فرقی هم با هم ندارند.

یادداشت ۶

داروخانه نسبتاً شلوغ بود. مسؤول فنی مشغول رد کردن نسخه بود. تکنیسین داروخانه هم با مریض دیگری صحبت می‌کرد. من هم جلوی صندوق داشتم باقی پول یکی دیگر از مراجعه‌کنندگان را می‌دادم.

خانم جوانی که آرایش غلیظی هم داشت، جلو آمد و گفت: یک بسته قرص اورژانس می‌خواستم. نگاهی به ایشان انداختم و متوجه شدم که قرص «لونزیل» می‌خواهد. این دارو که حاوی ۱/۵ میلی‌گرم لوونورژسترول است و بسته‌هایش تک قرص است، اگر تا ۲۴ ساعت بعد از مقاربت خورده شود، به‌عنوان کنتراسپتیو عمل می‌کند. دارو را به ایشان دادم و تا خواستم چگونگی مصرف آن را بگویم، پولش را جلویم گذاشت و به سرعت از داروخانه خارج شد. ظاهراً خودش هم کار اورژانس داشت. از موقعی که ایشان رفته در این فکرم که خدا کند بدانند چگونه و چه زمانی باید دارو را مصرف کند، وگرنه هم چوب را می‌خورد و هم پیاز را!

جوان حدوداً ۲۵ ساله‌ای بود. قد نسبتاً بلند و اندام درشتی داشت. دو پماد OTC و یک بلیستر قرص سرماخوردگی می‌خواست. ضمناً رو به من کرد و گفت: یک عدد هم آمپول ویتامین E می‌خواستم. به ایشان یادآوری کردم که ویتامین E نسخه می‌خواهد. بلافاصله هم سؤال کردم که چه کسی به شما توصیه آمپول ویتامین E را کرده است؟ با همان برخورد مؤدبانه‌اش گفت: مربی بدن‌سازی‌ام! بلافاصله هم سؤال کرد که چرا آمپول را نمی‌دهید؟ به ایشان تذکر دادم به واسطه این که کسی که این آمپول را برای شما تجویز کرده، صلاحیت این کار را نداشته است. بعد هم بعضی از عوارض مصرف سر خود داروها، از جمله ویتامین E را به ایشان یادآوری کردم. از من آدرس پزشکی را پرسید و با همان برخورد مؤدبانه، خداحافظی کرد و رفت.

یادداشت ۵

دخترخانم حدوداً ۲۵ ساله‌ای بود که درخواست پماد اوکسیددوزنگ داشت. از ایشان سؤال کردم که برای چی می‌خواهد؟ به جای جوش‌های خوب شده صورتش اشاره کرد و گفت: برای بهبودی آن‌ها می‌خواهم. به نظر شما خوب است؟ از من سؤال کرد! به ایشان گفتم که بد نیست، ولی خودش نیز به مرور زمان خوب می‌شود! البته، چون مرور زمان باعث تأخیر در زیبایی مجدد و باز یافته صورت می‌شود، اصرار داشت که پماد را بگیرد. وقتی پماد